

## A Comparative Analysis of Job's Wisdom in the Holy Quran and the Book of Job of the Old Testament

Mohammad Kaveh 

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Accepted: 06/05/2023

### Abstract

Job's wisdom is the subject of the Qur'an and Job. The research question is the characteristic of Job's wisdom in two books. The importance of the subject of the research is to explain one of the attributes of the Qur'an, i.e., the protection aspect of the Qur'an, religious dialogue, the regulation and convergence of religious people's vision towards the wisdom of Job. The hypothesis of the research is the relative inconsistency of the report of the features in both books. The research method is the comparative study of the verses of the Quran and the verses of the Book of Job, then description and analysis of the data. Research achievement; Job's or Ayyub's wisdom in the Qur'an is in terms of the giver of charity and a divine prophet, in terms of the receiver, Ayyub is at the peak of divine perfection and vision, a possessor of deep insight, a helper of the wise, envious and effective. In terms of content, it is harmonious between practical and theoretical, good, infallible, and rational proof of his prophethood is among the wise. In the report of the Book of Job, Job is God-fearing, impatient questioner, objector to divine justice, jealous of Satan, there is no harmony between wisdom before intuition and infallibility after intuition. But there is no textual confirmation of his prophecy. Therefore, the comparison of Ayub's wisdom in two books is one of the examples of the Qur'an's memorization. And it fixes the shortcomings of the book of Job.

Received: 04/07/2022

eISSN: 2538-2012


**Keywords:** Wisdom, Job, Qur'an, protection, Book of Job, Old Testament.

ISSN: 2008-9252

\* Corresponding Author: kave41@gmail.com

**How to Cite:** Kaveh, M. (2023). A Comparative Analysis of Job's Wisdom in the Holy Quran and the Book of Job of the Old Testament, *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, 14(52), 203 -233.

## تحلیل تطبیقی حکمت ایوب در قرآن کریم و کتاب ایوب عهد عتیق

محمد کاوه \*  \* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

### چکیده

حکمت ایوب موضوعی مشترک بین قرآن مجید و کتاب ایوب است. پرسش پژوهش ویژگی حکمت ایوب در دو کتاب است. اهمیت موضوع پژوهش، تبیین یکی از اوصاف قرآن یعنی مهیمن بودن قرآن، گفت‌وگوی بین ادیان، تنظیم هم‌گرایی بینش دین‌داران نسبت به حکمت ایوب است. فرضیه تحقیق ناهم‌سوایی نسبی گزارش ویژگی‌هاست. روش پژوهش مطالعه تطبیقی آیات قرآن و فقرات کتاب ایوب، توصیف و تحلیل داده‌هاست. دستاورد پژوهش؛ ویژگی حکمت ایوب در قرآن به لحاظ معطی، پاداش انفاق و نبی الهی است، به لحاظ دریافت، ایوب عبد نیکو، در اوج کمال و بینش الهی، صاحب بصیرت ژرف، یاور خردمندان، محسود شیطان و مؤثر نشان است. به لحاظ محتوای، هماهنگی کامل حکمت عملی و نظری، خیر کثیر، خطاناپذیر و حجت عقلانی بر نبوت ایشان نزد خردمندان است. در گزارش کتاب ایوب، ایوب خدا ترس، پرسش‌گر ناشکیبا، معترض به عدالت الهی، محسود شیطان، ناهماهنگی حکمت قبل از شهود و بعد از شهود در خطاناپذیری است. و تصریح متنی بر نبوت وی نیست. لذا مقایسه و تحلیل حکمت ایوب در دو کتاب، یکی از مصادیق حافظ بودن قرآن نسبت به کتابهای قبلی و رفع نواقص گزارش آنها می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: حکمت، ایوب، قرآن، مهیمن، کتاب ایوب، عهد عتیق.

## ۱. مقدمه

در سوره‌های نساء: ۱۶۳، انعام: ۸۴، انبیاء: ۸۳ و صاد: ۴۱ نام ایوب به عنوان دریافت کننده وحی، هدایت شده، از نوادگان نوح، ابراهیم و اسحاق و مورد رنج و عذاب معرفی شده است. هم‌چنین وی مشمول دعای « امامت » ابراهیم برای ذریه خود قرار گرفته است « وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (بقره: ۱۲۴)؛ و چون ابراهیم را پروردگارش به کارهایی بیازمود و وی همه را به انجام رسانید، خدا فرمود من تو را پیشوای مردم قرار دادم. ابراهیم پرسید از دودمانم چطور؟ خدا فرمود پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد».

زیرا قرآن ایوب را از محسنین بیان داشته است. با توجه به نسبت تضاد بین محسنین و ظالمین و وعده الهی در مورد امامت ذریه ابراهیم، ایوب به مقام امامت رسیده است تا بتواند هدایتگر باطنی مردم به سوی مطلوب و اخذ فیوضات ظاهری و باطنی الهی باشد. یعنی دارای حکمت نظری و عملی عالی است. علاوه بر آن اعطا «حکمت الهی» به ایوب بیان شده است (انعام: ۸۹).

در عهد عتیق، ایوب با نام (Job) (ر.ک؛ محمدیان، ۱۳۸۱: ۱۸۵ و قدیانی، ۱۳۹۲: ۲۰۱) دارای کتاب حکمی به نام «کتاب ایوب» است.

### ۱-۱. پرسش پژوهش

با توجه به اوصاف قرآن به حکیم (یس: ۲) و مهیمن بودن (مائده: ۴۸). سؤال اصلی تحقیق ویژگی حکمت ایوب در دو کتاب است.

#### پرسش‌های فرعی:

الف: ویژگی حکمت ایوب در قرآن چیست؟

ب: ویژگی حکمت ایوب در کتاب ایوب چیست؟

ج: شباهت و تفاوت‌های حکمت ایوب در دو کتاب چیست؟

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، به تحلیل تطبیقی ویژگی حکمت ایوب در دو کتاب در ساحت فرستنده، دریافت کننده و محتوی حکمت می‌پردازد. ضرورت موضوع علاوه بر نگرهان بودن قرآن، ایجاد تصور واضح از حکمت ایوب، فراهم آوردن نشست‌های مشترک ادیانی است.

#### ۱-۲. پیشینه پژوهش

الف) ویژگی‌ها و کارکرد حکمت در کتاب مقدس و تورات اثر خانم‌ها حمیده امیر یزدانی و لیلا هوشنگی در دو فصلنامه مطالعات تطبیقی قرآن کریم و متون مقدس، شماره ۱ به چاپ رسیده است. مقاله به بررسی مجموعی حکمت در کتابهای حکمی (کتاب ایوب، امثال، جامعه و غزل غزلها) از کتاب‌های عهدقدیم پرداخته است. نویسنده محترم به این نتیجه رسیده که ویژگی حکمت در کتب حکمی یکسان نیست و هر کتابی بر یک ویژگی پافشاری می‌کند.

ب) حکمت و حکیم در عهدقدیم، اثر عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، در قیسات، سال دهم، دی ماه ۱۳۸۴ بیشتر به حکمت عملی، فواید و پندهای اخلاقی و دینی حکمت‌آمیز توجه کرده است.

ج) دگرگونی مفهوم حکمت در عهدقدیم و عهد جدید، اثر حیدری و پاشایی در مجله ادیان و عرفان، سال ۴۳، زمستان ۱۳۸۹ به بررسی معنایی حکمت در عهدین پرداخته است. د) تحلیلی تطبیقی از رنج ایوب در قرآن و کتاب مقدس، اثر شاکر و سلیم در مجله پژوهشنامه معارف قرآنی سال ۱۰، تابستان ۱۳۹۹ یکی دیگر از پژوهش‌های مرتبط با بحث است.

ه) بازخوانی سنت فکری - کلامی در کتاب ایوب، اثر مریم امینی، معرفت ادیان، شماره ۱۸، بهار ۱۳۹۳ نویسنده محترم به چالش رنج و بعضی آموزه‌ها پرداخته است.

و) تطبیق ساختار روایت در کتاب ایوب عهد عتیق و «حدیث محنت ایوب» در قصص قرآن عتیق نیشابوری با استفاده از نظریه گره ماس، اثر محمد غفاری و ملیکا رمزی، ادب فارسی، دوره ۱۱، شماره ۲، اسفند ۱۴۰۰ چاپ شده است.

تحلیل تطبیقی حکمت ایوب در قرآن کریم و کتاب ایوب عهد عتیق؛ کاوه | ۲۰۷

نوآوری مقاله: جزئی بودن موضوع تحقیق در دو کتاب، تبیین یکی از مصادیق شاهد بودن قرآن و تفصیل در ویژگی‌های حکمت ایوب بر اساس دو کتاب است.

## ۲. مفهوم‌شناسی

کلمه ایوب در لغت فارسی و عربی به معنای برگشت به سوی خداست (ر.ک؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۷۴۰ و هاکس، ۱۳۷۷: ۱۴۶). و در لغت عبری به معنای بسیار مورد آزمون یا بسیار در محنت، نقل شده است (ر.ک؛ علی‌آقایی‌کن، ۱۳۸۸: ۷۳). حسن معنای اول در هماهنگی بودن با صفت «اواب» و معنای دوم با اسوه صبر است (ص / ۳۴).

کلمه حکمت در لغت فارسی برای انسان به معنای دانایی، علم، عرفان، معرفت، فرزادگی، حلم و بردباری، درست کاری و درست کرداری است (ر.ک؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۹۱۶۲/۶). یعنی به معنای علم و درستکاری است. در لغت عرب حکمت از ریشه حَکَمَ به معنای منع و جلوگیری کردن است. در قضاوت، حکم کردن به همین معناست (ر.ک؛ جوهری، ۱۴۰۷: ۱۹۰۲/۵ و ابن فارس، ۱۲۹۹: ۹۱/۲)، علاوه بر این برخی وجه تسمیه حکمت را باز داشتن از کار قبیح می‌دانند (ر.ک؛ فیومی، ۱۴۵/۱۹۹۷).

در قرآن برخی مفسران حکمت را به معنای «فراگیری معارف اصول دین و معارف عقلی و فهمیدن احکام حلال و حرام تعریف کرده‌اند» (جوادی‌آملی، ۱۳۷۸: ۲۵۱/۱)، برخی دیگر حکمت را «معرفت سودمندی که به اعتقاد و عمل مربوط می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۹۵/۲) و برخی دیگر «حکمت» را «عارف قوانین و قواعد کلی علمی و اخلاقی می‌دانند» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۲۸/۸).

کتاب ایوب در عهد عتیق، مشتمل بر ۴۲ باب است. نویسنده کتاب دقیقاً معلوم نیست. این کتاب از جمله کتاب‌های حکمی عهد عتیق - مزامیر، امثال، جامعه و غزل غزل‌ها - است. بخش اعظم کتاب به گفت‌وگوی میان ایوب و سه نفر از دوستان خداپرست وی در مورد رنج و عذاب وی است.

«حکمت» یا «حُخْمَا» به دو معنای فهم، شعور (ایوب ۱۲: ۴-۲) و درست کاری به کار رفته است. «ایوب مردی درستکار و خدا ترس که از گناه دوری می‌ورزید» (ایوب ۱: ۱).

به گفته آرش بابایی - دبیر کتب تعلیمات دینی یهودیان ایران - در عهد عتیق حکمت معانی یا منظوره‌های مختلفی دارد. معانی ساده حُخما یا حکمت شامل فهم و درک متون، تدبیری که فرد در زندگی به کار می‌برد، بصیرت و داوری عادلانه است، و در مواردی حتی به معنای دانش‌های جامع و کاربردی برای امور مادی - که باید از جانب خداوند اعطا می‌شد - است» (همایش مفهوم حکمت در ادیان توحیدی روز جهانی فلسفه، ۱۳۹۶/۹/۴). هم‌چنین « حکمت یهودی در دوران تورات، عهد عتیق و تلمودی، بیشتر ماهیت ارشادی دارد نه فلسفی یا اثباتی» (همان). منظور از حکمت در این پژوهش فهم و عمل دقیق و نیکو به دور از عمل قبیح است.

### ۳. ویژگی‌های حکمت ایوب در قرآن

حکمت به لحاظ عقلی به مُعْطَى، مُسْتَعْطَى و محتوی تقسیم می‌گردد. در اینجا به بعضی ویژگی‌های حکمت در قرآن کریم طبق دسته‌بندی مذکور می‌پردازیم.

#### ۳-۱. منشاء حکمت

شناخت مبدا ایجاد حکمت به لحاظ جامعیت، کیفیت و خطاناپذیری اطلاعات در تشکل محتوای حکمت بسیار مهم است. حکمت از صفات فعل‌الهی است که به مقتضای حب- ذات و اراده ازلی او، در انسان‌های خاص و دارای قداست نفس به صورت صحیح و کامل ایتای می‌گردد.

البته کسب درجات محدود حکمت از راه تحصیل - علل اعدادی - امکان پذیر است، اما باز هم در این حالت معطی واقعی خداوندست. اما بین آن دو شأن در جامعیت و شیوه کسب تفاوت است، یکی اکتسابی - موهبتی و دیگری اکتسابی است.

در قرآن منشاء حکمت ایوب خداوند و « ایتا» از باب فضل اوست «أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ (انعام: ۸۹)؛ آنان کسانی بودند که کتاب و داوری و نبوت بدیشان دادیم». هم‌چنین حکمت او قبل از مقام «نبوت» - بارزترین مصداق قاعده لطف و موهبت صرف‌الهی - بیان شده است. از همراهی و تقدم عنوان «حکمت» بر «نبوت» در

تحلیل تطبیقی حکمت ایوب در قرآن کریم و کتاب ایوب عهد عتیق؛ کاوه | ۲۰۹

برخی آیات قرآن مانند: آل عمران: ۷۹، انعام: ۸۹ و جاثیه: ۱۶، این برداشت می‌شود که گویا حکمت اکتسابی - موهبتی، مقدمه موهبت صرف، یعنی نبوت ایوب است.

### ۳-۱-۱. منطق حکمت

قرآن منطق فضل حکمت ایوب را، پاداش خداوند به انفاق کننده مؤمن به آخرت بیان داشته است (بقره: ۲۷۰-۲۶۰). «راز ذکر حکمت در میان آیات انفاق، آن است که یکی از پاداشهای خدای سبحان به انفاق کننده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۱۲ / ۴۸۶). البته حکمت دریافتی، تشکیکی و به حسب مراتب دریافت کننده است.

اما موقعیت ایوب چیست؟

الف) قرآن ایوب را در زمره محسنین معرفی کرده است « وَ أَيُّْوبَ وَ يُوسُفَ وَ مُوسَى وَ هَارُونَ وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (انعام: ۸۴)؛ و به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همه را به راه راست درآوردیم و نوح را از پیش راه نمودیم و از نسل او داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را [هدایت کردیم] و این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. و در برخی آیات اوصاف محسنین - نیکوکاران - را عبارت از: «انفاق»، «كظم غیظ» - در حالی که قدرت بر تلافی دارد - و «عفو» از تقصیر مردم بیان داشته است «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (آل عمران/۱۳۴)؛ همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرومی‌برند و از مردم در می‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

«واللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» اشاره به اوصاف متقین و ... محسنین دارد» (طباطبایی، ۱۳۹۰ه: ۲۰/۴). البته برخی مفسران انفاق، کظم غیظ و عفو را هر یک احسان دانسته‌اند (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۵۶۳/۱۵). در هر دو صورت برخورد خداوند با محسنین، اعطا پاداش عالی است.

ب) دریافت پاداش قبل از انتصاب الهی زمینه به فعلیت رساندن شایستگی ذاتی به مقام نبوت ایوب - موهبتی صرف - را فراهم آورد. ممکن است یک وجه دیگر ذکر حکمت قبل از نبوت اعلام این شایستگی ذاتی باشد «أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ»

(انعام: ۸۹). «حکم در این آیه به معنای حکمت، معرفت مستحکم است» (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۴۴/۶).

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: خداوند هیچ پیامبر و رسولی را مبعوث نکرد مگر آنکه خداوند عقلش را به کمال رسانده و عقلش برتر از عقل‌های امتش بود (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۷۸: ۱۱/۱). کمال عقل، همان حکمت است. تا پیامبران هم حکمت را به خواص تعلیم دهند (بقره: ۱۲۹ و آل عمران: ۱۶۴) و هم زمینه پیروی را تسهیل کنند.

### ۳-۱-۲. غایت حکمت

مطابق انسان‌شناسی قرآن، انسان استعداد یادگیری حقایق عالم را دارد (بقره: ۳۱). و آنچه را که قابل درک مستقیم او نیست، خداوند به معلمان حکمت می‌آموزد «مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۵۱)؛ و آنچه را نمی‌دانستید به شما یاد می‌دهد. تا آنان حقایق را به زبان و فرهنگ مردم تبیین کنند (ابراهیم: ۴).

از آنجایی که اهداف خلقت انسان به حسب مراتب، عبارتند از: عبادت خدا (ذاریات: ۵۶) برای رسیدن به معرفت و یقین‌شهودی (طلاق: ۱۲)، و در نهایت دریافت رحمت خاص است (هود: ۱۱۹). می‌توان گفت هدف عبادت رحمت خاص خداوند است. بنابراین غایت فرعی و تبعی حکمت‌الهی پرورش عقول (اولوالالباب) است. عقلی که علاوه بر منبع دین، ابزار معرفت‌دینی است. معلمان حکمت این حقیقت را با شیوه‌های گفتاری و کرداری به متریبان آموزش می‌دهند (بقره: ۱۲۹، آل عمران: ۱۶۴ و جمعه: ۲).

### ۳-۲. دریافت‌کننده حکمت

منظور از دریافت‌کننده، تیپ‌شناسی شخصیت دریافت‌کننده حکمت، استفاده نیکوی از آن و تاثیر وی بر خردمندان به عنوان انتقال فیض است «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ» (بقره: ۱۲۹)؛ «پروردگارا در میان آنان فرستاده‌ای از خودشان برانگیز تا آیات ترا بر آنان بخواند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه‌شان کند زیرا که تو خود شکست‌ناپذیر حکیمی».



### ۳-۲-۱. حادث

حادث به معنی «نو» است. قرآن مجید این موضوع را با لفظ «اینا و اعطا» و به دو نحوه بیان داشته است، یکی تعبیر عمومی «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (نساء: ۵۴) و دیگری به صورت اسم اشاره است «أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ» (انعام: ۸۹)؛ آنان کسانی بودند که کتاب و داوری و نبوت بدیشان دادیم.

### ۳-۲-۲. اختصاصی

حکمت الهی به لحاظ انسانی، اختصاص به نژاد یا نسل خاصی - نسل اسحاق یا اسماعیل - هم‌چنین به لحاظ اقلیمی و جغرافیایی، اختصاص به منطقه خاصی ندارد، علاوه بر این به لحاظ زمانی، مختص به زمان خاصی یا نسل خاصی - قبل از میلاد یا بعد از میلاد مسیح - نیست.

اما از نظر صنفی، به خواص انسانها، یعنی عباد محسن اختصاص دارد. خداوند ایوب را عبد نیکو مدح کرد و در وصف عبد نیکو فرمودند: «فَاَوْحَىٰ إِلَيْهِ عَبْدَهُ مَا أَوْحَىٰ» (نجم: ۱۰)؛ آنگاه به بنده‌اش آنچه را باید وحی کند وحی کرد.

هم‌چنین امام صادق (ع) فرمودند: خداوند تبارک و تعالی ابراهیم (ع) را پیش از آنکه به پیامبری برگزیند، به بندگی خود گرفت» (کلینی، ۱۳۸۷: ۱/۱۷۵).

ایشان به «عنوان بصری» حقیقت‌بندگی را سه چیز معرفی کرده‌اند: بنده در آنچه که خداوند به وی عطا کرده است، برای خودش ملکیتی نبیند. بنده خدا به سود خویش مصلحت‌اندیشی نکند. و اهتمامش را از لحاظ فعل و ترک در اموری که خداوند او را بدان امر یا نهی کرده، منحصر کند (ر.ک؛ مجلسی، ۱۳۹۲: ۱/۲۲۴). به بیان دیگر بندگی خدا با هماهنگی کامل حکمت نظری-عملی عبد با مولایش در امور زندگی - حتی دعای ایوب با اذن الهی برای رفع رنج بود - به دست می‌آید «وَذَكَّرَىٰ لِلْعَابِدِينَ» (انبیاء: ۸۴)؛ و عبرتی برای عبادت‌کنندگان [باشد].

زیرا به نظر برخی مفسران «عابدین» صفت مشبیه است، نه اسم‌فاعل؛ یعنی دلالت بر ثبوت ملکه بندگی در جان عابد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۶/۵۰۳). به بیان دیگر

معنای ذکری در آیه یعنی حکمت در حافظه عابدین حضور دارد. نه این که حکمت در حافظه عابدین حضور می‌یابد.

### ۳-۲-۳. بصیرت عمیق

ایوب در مقطعی از زندگی‌اش دچار مشکلات گردید «وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (انبیاء: ۸۳). منظور از ضُرّ را بد حالی است، اعم از در نفس یا در بدن باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۰۳).

در این گونه مواقع معمولاً اشخاص معتقد از طرفی به وجود صفت حکمت مطلق، قدرت مطلق و خیرخواهی محض خدا و از طرفی رنج انسان نیکوکار، دچار چالش - اعتقادی و رفتاری انحرافی - می‌شوند. لذا ممکن است با توجه به علم محدود خود کارهایی از قبیل شکوایه مذموم انجام دهند. در حالی که چه بسا آن مشکلات خیرکثیر به همراه داشته باشد «فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء: ۱۹)؛ پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد.

ایوب قرآن به لحاظ معرفتی، صاحب بصیرت عمیق بود. زیرا خداوند ایوب (ص: ۴۱) و سایر پیامبران را عبد خود و آنان را صاحب بصیرت معرفی کرده است. «وَأَذْكُرُ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ» (ص: ۴۵)؛ و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که نیرومند و دیده‌ور بودند به یاد آور.

از این رو ایوب می‌دانست خداوند قادر مطلق و هدفمند، مصالحی در پس رنج‌هایش در نظر دارد که او از آنها بی‌اطلاع و در آینده برایش معلوم می‌گردد.

هم‌چنین به «فاعلیت» شیطان در گرفتاری‌ها و مصائب خود - چه به عنوان سبب در طول علل طبیعی، نه در عرض آن یا مصاحبت شیطان با علل طبیعی بیماری - بصیرت داشت. علامه طباطبائی، حرف «باء» در «بنصب» را سببیت گرفته است (ر.ک)؛ طباطبائی، ۱۳۹۰: ۲۰۸/۱۷)، اما طبرسی حرف «باء» را مصاحبت دانسته است (ر.ک)؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۳۹/۳).

لذا به لحاظ رفتاری علاوه بر صبر جمیل اقدام به صبر بر طاعت و معصیت - بالاترین

تحلیل تطبیقی حکمت ایوب در قرآن کریم و کتاب ایوب عهد عتیق؛ کاوه | ۲۱۳

درجه صبر - داشت و نزد خداوند شکایت نکرد (ص: ۴۴-۴۱).

امام باقر(ع) فرمودند: صبر جمیل شکایت به نزد مردم نبردن است (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۸۷: ۹۳/۲). زیرا هنگام مصیبت شکایت نزد مردم، ناشی از ضعف ایمان و شکایت از خداوند مذموم است. علی(ع) در این مورد می‌فرماید: مبدا شکایت نزد کسی برید که نمی‌تواند آن را بر طرف سازد، و توان‌گره - گشایی از کارتان ندارد (ر.ک؛ نهج البلاغه، خ/ ۱۰۵).

بنابراین این عملکرد ایوب از بصیرت عمیق وی و برای خردمندان بصیرت‌زا - خوب و عمیق فهمیدن و درست عمل کردن - است.

### ۳-۲-۴. یاور خردمندان

قرآن مجید بهره‌گیران حکمت را جدا از دریافت‌کنندگان مستقیم حکمت ذکر کرده است (بقره: ۲۶۹). و با این جدا کردن نوعی اختصاص و انحصار برای آنان قایل شده است. زیرا حکمت اعطایی درجه کامل عقل است و چون اولوالالباب در مرتبه مادون آن قرار می‌گیرند، امکان بهره‌گیری و تعالی سطوح عقلی برای آنان فراهم می‌شود. هم چنین اولوالالباب به مقتضای عقلشان، امکان بیشتری برای پذیرش تدکّر، پند-گیری، اصلاح، پرهیزکاری و رستگاری دارند. زیرا بین علم و عمل رابطه تاثیرگذاری دو طرفه است. به فرمایش امام باقر(ع): «مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ عَلَّمَهُ اللَّهُ مَا لَمْ يَعْلَمُ» (مجلسی، ۱۳۹۲: ۱۸۹/۷۸).

از این رو بیشتر مورد خطاب خداوند هستند. و بر عکس آن، انسان‌های خردگریز و خرد ستیز اهل دوزخند (ملک: ۱۰).

ممکن است وجه معرفی خرد ناب در آیه شریفه اعطای حکمت، توجه به عقل به عنوان یکی از منابع و ابزار شناخت در کنار وحی باشد. خرد ناب انسان را به ایمان، بینش صحیح راهنمایی و از گفتار باطل، اعمال زشت نفس اماره به دور می‌دارد. لذا حکم مولوی به تحصیل عالی‌ترین درجه تقوا - یعنی نه ترس از جهنم یا وصول به بهشت، بلکه حب الهی - می‌شوند. «وَأَتَّقُونَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» (بقره: ۱۹۷)؛ و ای خردمندان از من پروا کنید».

به تعبیر دقیقتر در خواست تقوای از اولواالالباب « به منزله لب تقوای دیگران است (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵ ب: ۹/۲۰۲).

حکمت ایوب دارای پندهای معرفتی، اخلاقی و فقهی و در نهایت تقویت ایمان خردمندان است. برخی از پندها عبارتند:

الف) دعوت به صبر در مصائب «وَلَنَبَلِّغَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ (بقره: ۱۵۵)؛ قطعا شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جانها و محصولات می‌آزماییم و مژده ده شکیبایان را». و «وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ (لقمان: ۱۷)؛ و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکیبیا باش».

ب) ارائه الگوی صبر در مصائب، طاعت و معصیت «إِنَّا وَجَدْنَا صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ (ص: ۴۴)؛ ما او را شکیبیا یافتیم چه نیکوبنده‌ای به راستی او توبه‌کار بود».

ج) ایمان به عدالت و تفویض امور به خداوند. «فَسْتَدْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأَفْوِضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (غافر: ۴۴)؛ پس به زودی آنچه را به شما می‌گویم به یاد خواهید آورد و کارم را به خدا می‌سپارم خداست که به [حال] بندگان [خود] بیناست».

د) نقش شیطان در تسبیب یا همراهی مصائب دنیا «وَأذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ (ص: ۴۱)؛ و بنده ما ایوب را به یاد آور آنگاه که پروردگارش را ندا داد که شیطان مرا به رنج و عذاب مبتلا کرد».

ه) دوستداری و همراهی خداوند با شکیبایان «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۳) و «وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (ال عمران: ۱۴۶).

و) دریافت اجر و پاداش صبر و افزایش نعمات الهی. «إِنَّمَا يُوفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (زمر: ۱۰)؛ بی‌تردید شکیبایان پاداش خود را بی‌حساب [و] به تمام خواهند یافت».

### ۳-۲-۵. محسود

دریافت کنندگان حکمت‌الهی مورد حسادت بوده‌اند «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ (نساء: ۵۴)، بلکه به مردم برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می‌ورزند در حقیقت ما به خاندان ابراهیم کتاب و

تحلیل تطبیقی حکمت ایوب در قرآن کریم و کتاب ایوب عهد عتیق؛ کاوه | ۲۱۵

حکمت دادیم و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم». منظور از آل ابراهیم، انبیای ابراهیمی است (ر.ک؛ حویزی، ۱/۱۳۸۴: ۴۹۰ و ۴۹۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۷۲/۱۹ و صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۱۱۹/۷).

انگیزه حسد ورزی، بزرگی و اقاایی است. اما «حسود به سیادت و بزرگی نمی‌رسد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۹۹). حسود می‌خواهد با ارائه حکمت بین مردم جلوه‌نمایی کند و خواستار زوال حکمت و جلوگیری از رشد و تعالی محسود است. لذا با دخالت - در حسادت ابتدا شیطان حسادت می‌ورزد- دشمنی و دشمن‌پروری می‌کند. در قضیه ایوب، وی مورد حسادت شیطان واقع شده بود، و ایوب از حسادت شیطان و دخالت او در مشکلات جسمانی‌اش آگاهی داشت (ص: ۴۱).

امام باقر (ع) فرمودند: ایوب (ع) هفت سال بی‌گناه مبتلا شد. انبیا گناه نمی‌کنند؛ چون همگی معصوم و پاکند و آنان مرتکب گناه کوچک یا بزرگ نمی‌شوند (ر.ک؛ مجلسی، ۱۳۹۲: ۲۷۵/۴۴).

با التفات به رأی غالب مفسران بر توقیفی بودن ترتیب آیات قرآن (ر.ک؛ خویی، ۱۳۷۵: ۱/۳۹۶ و معرفت، ۱۳۷۸: ۱۲۰)، از ترتیب و چینش ظاهری آیات ۴۴-۴۱ سوره صاد، استفاده می‌گردد که عاقبت حسد ورزی شیطان به عابدین نیکو، شکست شیطان است.

### ۳-۲-۶. مؤثر نشان

حکمت نظری در حوزه تدبیر و اراده انسان نقش بسزایی دارد. در داستان ایوب از نحوه عالی عمل ایوب، در اصطلاح منطق، «برهان آنی»- انتقال از وجود معلول به وجود علت- به دلیل تلازم معلول با علت تامه خود، به صفاتی مانند علم الاهی، خیریت و عزت خداوند در اعطای حکمت بالغه‌اش به بنده منتقل می‌شویم. زیرا علت حقیقی کمالات معلول خود را به نحو اعلی دارد.

### ۳-۳. محتوی حکمت ایوب

#### ۳-۳-۱. تلفیق و هماهنگی دو حکمت

انبیای الهی، به دلیل هدایت بشر، از حکمت نظری و عملی جامع و صحیح برخوردارند و از نظر منطقی میان آن دو ارتباط دقیق - «هست و نیست» و «باید و نباید» - وجود دارد. لذا حکمت عملی شان ثمره حکمت نظری است.

در بینش ایوب خداوند مالک مطلق، مالک سلطه بر بدن او و مالک نفوذ سلطه - بالعرض دیگران است «وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (مائده: ۱۸)؛ فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو می‌باشد از آن خداست و بازگشت همه به سوی اوست».

از این رو ایوب از وضع موجود شکایت نداشت. از ویژگی‌های ایوب، اوآب - مراجعه مکرر به خدا - است. اوآب، صیغه مبالغه به معنای کثرت بازگشت به درگاه خدا و جدی بودن وی در آن اشاره دارد (ر.ک؛ فیومی، ۱۹۷۷: ۲۸). لذا خداوند فرمود «نعم العبد» (ص: ۴۴)، این جمله نشانه -تلفیق، هماهنگی حکمت نظری - عملی و عصمت علمی - عملی و رضایت الهی دارد. زیرا ارکان عبادت؛ عابد، معبود و عمل عبادی (طاعت) است. عبادت، از یک طرف مسبوق به شناخت توحید ربوبی، تدبیری و کمالات معبود، و از طرف دیگر مربوط به سبک زندگی و تقوای عملی عابدست.

#### ۳-۳-۲. خیر کثیر

حکمت هم فی نفسه و هم نسبت به متاع دنیا -قلیل- خیر کثیر است (بقره: ۲۶۹). برخی مفسران، با توجه به مصادیق حکمت، ایمان واقعی را خیر کثیر معرفی کرده‌اند (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵: الف ۳۸/۶). در حقیقت بهره‌مندی از ایمان و عمل صالح خیر - کثیر است. همانطور که آیات قرآن این دو را کنار هم آورده و مفسران قرآن در تعریف حکمت بیان کرده‌اند.

خیر کثیر شامل جنبه کیفی و کمی است. به لحاظ کیفی؛ دارنده حکمت دارای مراتب

تحلیل تطبیقی حکمت ایوب در قرآن کریم و کتاب ایوب عهد عتیق؛ کاوه | ۲۱۷

عالی یقین است، همه کارهای او الهی و در مواجهه با گرفتاری و عذاب‌های روحی - جسمی وارده بدون اعوجاج فکری و رفتاری، خود را حفظ می‌کند. و بدین ترتیب کمالات انسانی را کسب می‌کند. تا در ادامه با موهبت صرف الهی، یعنی به مقامات «نبوت»، «ولایت» و «امامت» برسد.

به لحاظ کمی خیر کثیر است؛ زیرا انگیزه کارهای شخص بهره‌مند حکمت - نسبت به عمل خیر - دارای ارزش والایی است. چون از نظر عقلی، «انگیزه عمل» - انگیزه ریا پذیر نیست - از عمل - ریا پذیر - سخت‌تر و ارزش بیشتری برخوردار است. به همین جهت پیامبر (ص) فرمودند: «بَيِّئَةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَبَيِّئَةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَكُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَى نَيْتِهِ» (مجلسی، ۱۳۹۲: ۶۷ / ۱۸۹). یا علی (ع) فرمودند: کننده کار نیکو از نیکی بهتر و کننده کار بد از بدی بدتر است «فَاعِلُ الْخَيْرِ خَيْرٌ مِنْهُ وَفَاعِلُ الشَّرِّ شَرٌّ مِنْهُ» (فیض - الاسلام: ۱۳۵۱/ح ۳۱).

نتیجه این که خیرات شخص بهره‌مند از حکمت - فی نفسه - کثیر و نسبت به آخرت کثیر ابدی است « قل متاع الدنيا قليل والاخرة خیر لمن اتقى (نساء: ۷۷)؛ دنیا اندک و برای کسی که تقوا پیشه کرده آخرت بهتر است».

### ۳-۳-۳. حجت الهی

حکمت اعطایی ایوب، از جمله حجج الهی و تمسک مردم به آن ضروری است. دلایل آن عبارتند از:

اول نقلی است « فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ » (نساء: ۵۴)، منظور از آل ابراهیم انبیاء ابراهیمی است.

دوم عقلی است. زیرا انسان‌ها یا جاهل یا عالم‌اند. و عقل تنها پیروی جاهل از عالم را صحیح و منطقی می‌داند.

سوم عقلی و نقلی است. از طرفی حکمت عملی و حکمت نظری با هم مرتب‌اند. و حکمت عملی مبتنی بر حکمت نظری و هر دو مبتنی بر عقل نظری که بر بدیهی یا اولیات استوار است. از طرف دیگر ستایش خداوند از عمل ایوب « إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ

أَوَّابٌ» دال بر تایید حجیت حکمت نظری اوست.

از این رو همانطور که معجزه برای شناخت پیامبران راستین، یکی از حجت‌های عمومی است. بروز و ظهور «حکمت ایوب» برای عقلا و خواص حجیت الهی است.

### ۳-۳-۴. خطاناپذیری

حکمت ایوب در قرآن، خطاناپذیر است. زیرا به لحاظ منشأیت حکمت به حقایق ناب و حکمت مطلقه الهی متصل است. «وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا» خداوند کتاب و حکمت را بر تو فرو فرستاد و حقایقی را به تو آموخته است که خود نمی توانستی آنها را فرگیری و فضل خدا همواره بر تو بزرگ بوده است (نساء/ ۱۱۳ و بقره/ ۱۵۱).

دوم به لحاظ دریافت کننده، انبیای الهی از خطای علمی محفوظند. و حکمت را، به صورت حق‌الیقین معصومانه دریافت کرده و و انتقال آن به وسیله مفاهیم نظری دقیق انجام می گیرد.

با التفات به این مطالب حکمت نظری و عملی ایوب خطاناپذیر است. و این مقارنت همان عصمت در کلام علی (ع) است: «قُرِنَتْ الْحِكْمَةُ بِالْعِصْمَةِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۹).

### ۴. ویژگی حکمت ایوب در کتاب ایوب عهد عتیق

#### ۴-۱. منشأ حکمت

منشأ حکمت ایوب، خداوند است «ایوب می گوید: اشخاص پیر حکیم هستند و همه چیز را درک می کنند اما حکمت و قدرت واقعی از آن خداست. فقط او می داند که چه باید کرد» (۱۲: ۱۳)، تا این که «خداوند از درون گرداب با ایوب سخن می گوید (۱: ۳۸) و ایوب حکمت را شهود می کند» (۴۲: ۶).

#### ۴-۲. منطق حکمت

گرچه ایوب فرد با ایمانی بود و برای آموزش گناهان فرزندان خود برای خدا قربانی می-



تحلیل تطبیقی حکمت ایوب در قرآن کریم و کتاب ایوب عهد عتیق؛ کاوه | ۲۱۹

کرد (۱: ۴-۵)، اما منطق دریافت حکمت ایوب، از طریق علل معدّه-یعنی چالش علمی و پرسش‌گری ایوب با دوستانش که به ظاهر حکیم بودند- در مورد رنج او و خانواده‌اش، از دست دادن فرزندان، اموال و عدم عدالت خدا بود.

#### ۴-۲-۱. غایت حکمت

غایت حکمت ایوب معرفت بخشی و هدایت او و دوستانش است. بیشتر باب‌های کتاب مربوط به تلاش علمی دوستان ایوب در مجاب کردن وی در رنج انسان گناهکار، عدالت خداوند- ایوب می‌گفت حتی اگر او را بخوانم و او حاضر شود، می‌دانم که به حرف‌هایم گوش نخواهد داد، گردبادی می‌فرستد و مرا در هم می‌کوبد و بی‌جهت زخم‌هایم را زیاد می‌کند (۹: ۱۶-۱۸)- بر مبنای عقل آمیخته به جهل و اوهام بود. گفت و گویی که مورد رضایت خداوند نبود و خداوند از هر طرفین گفت‌وگویی نا راضی بود. لذا شهود حکمت ایوب به وجود آمد و زمینه تسلیم ایوب و دوستانش از افکار و رفتار نا صواب فراهم گردید «پیش از این گوش من در باره تو چیزهایی شنیده بود، ولی اکنون چشم من تو را می‌بیند! از این جهت از خود بیزار شده در خاک و خاکستر توبه می‌کنم» (۴۲: ۶-۵). ایوب دریافت که تنها عقل منبع شناخت حکمت خداوند نیست، اعتماد به خدا نباید با رویدادها تلخ خدشه‌دار شود. هم‌چنین دوستانش متوجه شدند که در دفاع از عدالت خداوند نباید بی‌جهت کسی را متهم به گناه کرد. لذا آنان مرتکب گناه شده‌اند و باید قربانی کنند (خاتمه: ۸-۷).

#### ۴-۲-۲. حادث

بعد از ایجاد بن‌بست فکری میان طرفین گفت‌وگویی ایوب، «شهود حکمت» رخ داد. ایوب با شنیدن پاسخ خداوند به اعتراضاتش، حکمت را می‌یابد که از ازل حکمت به همراه خداوند بوده، کارهای عالم هستی همه بر اساس حکمت انجام گرفته است «ایوب بعد شنیدن سخنان خداوند توبه کرد و گفت: پیش از این گوش من در باره تو چیزهایی شنیده بود، ولی اکنون چشم من تو را می‌بیند از این جهت از خود بیزارم شده در خاک و

خاکستر توبه می‌کنم» (باب: ۳۸ تا ۴۲).

#### ۴-۲-۳. اختصاصی

حکمت غیر اختصاصی است ولی شامل صنف خاصی از بندگان خداوند می‌شود. ایوب در گفت‌وگوی با دوستان خود گفت « آیا فکر می‌کنید عقل کل هستید؟ و اگر بمیرید حکمت هم با شما خواهد مرد؟ من مثل شما فهم دارم و از شما کمتر نیستم (۱۲: ۴-۲).

#### ۴-۲-۴. بصیرت عمیق

شخص حکیم صاحب بصیرت است. اما در کتاب ایوب دو گزارش متناقض نوشته شده است. در یک گزارش ایوب دارای بصیرت ضعیف است و در برابر حوادث تلخ سپاسگزار است اما لباس خود می‌درد « آنگاه ایوب برخاسته، از شدت غم لباس خود را پاره کرد. سپس موی سر خود را تراشید و در حضور خدا به خاک افتاد، گفت: خداوند داد و خداوند گرفت. نام خداوند متبارک باد. با همه این پیش آمدها ایوب گناه نکرد و به خدا ناسزا نگفت» (۱: ۲۲-۲۱).

هم‌چنین هنگامی که آسیب جسمانی به او وارد آمد « با وجود تمام این بلاها ایوب سخنی بر ضد خدا نگفت» (۲: ۱۰).

اما در گزارش دیگر ایوب دارای حداقل بصیرت نیست و قضاوت‌های عجولانه، شکوه‌های کفرآمیز در باب‌های ۳ الی ۳۷ آمده است «ماه‌های عمرم بی ثمر است. شبهای من طولانی و خسته کننده است» (۷: ۳). یا «خدا مرا از زندگی خسته کرده و خانواده‌ام را گرفته است. ای خدا تو آنچنان مرا در سختی‌ها قرار داده‌ای که از من پوست و استخوان بیش نمانده است» (۱۶: ۸-۷).

#### ۴-۲-۵. محسود

شیطان به ایمان و اعمال ایوب حسد ورزید « ایوب مردی درستکار و خدا ترس بود » (۱: ۸ و ۲۸: ۲۸). و در این نبرد شیطان تا حدودی پیروز گشت. حسادت او اول سبب از بین رفتن

اموال، بعد فرزندان، سپس دشمنی همسر و کنارگیری مردم از او شد. به عنوان نمونه: الف) شیطان به خدا گفت «اگر خدا ترسی برای او سودی نمی داشت این کار را نمی کرد. ایوب و خانواده او اموالش را از هر گزندی محفوظ داشته‌ای. دسترنج او را برکت داده‌ای و ثروت زیاد به او بخشیده‌ای. دارایی‌اش را از او بگیر، آنگاه خواهی دید که آشکارا به تو کفر خواهد گفت» (همان ۱: ۹-۱۱).

ب) شیطان به خدا گفت: «انسان برای نجات جان خود حاضر است هر چه دارد بدهد. به بدن او آسیب برساند، آنگاه خواهی دید که آشکارا به تو کفر خواهد گفت» (همان، ۲: ۴-۵).

ج) همسر ایوب گفت: «آیا با وجود تمام این بلاها که خدا به سرت آورده، هنوز هم به او فاداری؟ خدا را لعنت کن و بمیرا» (۲: ۹).

د) ایوب گفت «همه مرا به باد ریشخند گرفته‌اند و من بازیچه دسته آنها شده‌ام. از من کراهت دارند و نزدیکم نمی آیند. از تف انداختن به صورتم ابایی ندارند. خدا مرا ذلیل و ناتوان ساخته است. پس آنها هرچه دلشان می خواهد با من می کنند... و من بی یار و یاورم. در ترس و وحشت به سر می برم» (۳۰: ۱۵-۹).

#### ۴-۲-۶. مؤثر نشان

در مورد رفتار ایوب به عنوان «شخص حکیم» بعد از شهود حکمت، متاسفانه جز توبه او و رضایت الهی مطلب تفصیلی گزارش نشده است. اما قبل از شهود، بین رفتار و گفتار ایوب در فصول ۱ تا ۳؛ ایوب در مواجهه با مشکلات، تسلیم قضای الهی است «با همه پیش-آمدها، ایوب گناه نکرد و به خدا ناسزا نگفت» (۱: ۲۲).

ولی از باب ۳ تا ۳۸، سخنان ایوب ناپسند و تسلیم قضای الهی نیست، مانند:

الف) چرا نور زندگی بر کسی می تابد که چاره‌ای ندارد و خدا درهای امید را به رویش بسته است؟ (۳: ۲۳)

ب) «من از خدا شکایت دارم نه از انسان» (۲۱: ۴).

ج) خدا دنیا را به دست گناهکاران سپرده است. او چشم‌اشن قضات را کور کرده تا عدالت

را بجا نیاورند. اگر این کار خدا نیست پس کار کیست؟ (۹:۲۴).  
د) خدا گناهکار را مجازات نمی‌کند و به گناهان او توجهی ندارد (۱۵:۳۵).  
ه) به خدای زنده قادر مطلق که حق مرا پایمال کرده و زندگیم را تلخ نموده است قسم می‌خورم که تا زنده‌ام حرف نادرست از دهانم خارج نشود (۲۷:۴-۲).  
ملخص کلام قول به تفصیل قبل و بعد شهود حکمت موجّه است.

#### ۳-۴. محتوی حکمت

##### ۳-۴-۱. حکمت عملی و نظری

این دو حکمت در داستان ایوب هماهنگ نیست. با این که ایوب خدا ترس است و از گناه دوری می‌ورزد (۱:۲ و ۸) اما در مشکلاتش به خداوند اعتراض خداوند کرد. تا این که حکمت را شهود و براساس آن از رفتار خود توبه کرد. از باب نمونه:  
الف) نفرین ایوب از بدنیا آمدن، دعوت به نفرین کردن دیگران از روزی که وی بدنیا آمده است، شکایت از خداوند در زندگی بخشیدن، و بستن درب‌های امید به روی ایوب و..... (باب ۳).

ب) خدای قادر مطلق با تیرهای خود مرا به زمین زده است. تیرهای زهر آلودش در قلب من فرو رفته است (۶:۴).

ج) می‌دانم خدا به حرف‌هایم گوش نخواهد داد (۹:۱۶).

د) آیا این درست است که به من ظلم بکنی و انسان که خود آفریدی دلیل سازی و شادی و خوشبختی را نصیب بدگاران بگردانی. از ابتدای خلقتم همیشه فکرتو این بوده اگر مرتکب گناهی شدم، از بخشیدنم امتناع ورزی و مرا نابود کنی (باب ۱۰:۴، ۱۳ و ۱۴).

##### ۳-۴-۲. خیر کثیر

حکمت نسبت به متاع دنیا «خیر کثیر» نیست. زیرا با توجه به عبارات کتاب ایوب، اعتقاد به «معاد» حداقل مورد تردید است. زیرا ایوب می‌پرسد وقتی انسان بمیرد آیا دوباره زنده می‌شود (۱۴:۱۴) یا کسانی که می‌میرند تا به ابد از خانه و خانواده خود دور می‌شوند و

دیگر کسی آنها را نخواهد دید (۷: ۹-۱۱).

بلکه با توجه به تحلیل دوستان از مصیبت ایوب، اعتقاد به عذاب الهی در همین دنیا است. مضاف بر این در برخی فرق یهودی مانند صدوقیان اعتقاد به معاد نیست (ابراهام کهن ۱۳۸۲: ۳۶۳).

اما شهود «حکمت» ایوب - فی نفسه - به لحاظ کیفی، خیرات دنیایی خوبی به همراه داشت. زیرا ایمان ایوب، شکایت ایوب از خدا (باب ۳، ۲۱، ۲۳ و ۲۴)، انکار عدالت خداوند (باب ۹ و ۲۱)، انکار حکمت بالغه الهی (باب ۴۰) و... همگی را تصحیح و او را به توبه وا داشت (خاتمه باب ۴۲). اما گرچه توبه خیر است، ولی آثار وضعی گناه را بر نمی- دارد.

هم‌چنین شهود حکمت برای دوستان ایوب خیر - گفت‌وگوی آنان باره خداوند مبتنی بر «عقل» صرف بود - بود و موجب تصحیح افکار و رفتار آنان در مورد خداوند گشت، و زمینه توبه آنها را فراهم آورد.

#### ۴-۳-۳. حجت الهی

صرف نظر از سندیت و اعتبار کتاب ایوب تنها دلیل بر حجیت حکمت ایوب، صرفاً دلیل نقلی است. خدا به الیفاز تیمانی فرمود: «از تو و از دو رفیق خشمگین هستم؛ زیرا سخنان شما در باره من مانند سخنان بندهام ایوب، درست نبوده است. اکنون هفت گوساله و هفت قوچ بگیرید و پیش بندهام ایوب بروید و آنها را برای گناه خود قربانی کنید و بنده من ایوب برای شما دعا خواهد کرد و من دعای او را مستجاب نموده و از مجازات شما در می‌گذرم» (خاتمه: ۷-۹). لذا «شهود» موجب بازگشت ایوب و دوستانش به اندیشه صواب گشت. یعنی همه مصیبت‌های وارده بر انسان الزاماً نتیجه عمل گناه نیست، بلکه حکمتی دارد. هم‌چنین شکوائیه برخداوند به خصوص در مقابل خلق درست نیست.

#### ۴-۳-۴. خطاناپذیری

طبق کتاب ایوب، وی حکمت را شهود کرد (باب: ۴۲) و بعد از آن خداوند ایوب را برکت

داد و ایوب دوباره دارای فرزندان و اموال گشت (خاتمه: ۱۲). اما در مورد نبوت وی سخنی گفته نشده است. گرچه از ظاهر کتاب حزقیال نبی - حتی اگر نوح و دانیال و ایوب در میان آنها باشد، خدا ترسی و درستکاری ایشان فقط باعث نجات جان خودشان خواهد شد (حزقیال: ۱۴: ۱۴ و ۲۰) - «نبوت» ایوب قابل استفاده است.

اما اشکال این است که نام ایوب در میان انبیای صاحب کتاب نیست. زیرا انبیای صاحب کتاب در کتاب مقدس جمعا ۱۶ نفر است. اسامی آنها عبارتند از: یونان، عاموس، هوشع، اشعیاء، میخا، ناحوم، صفینا، ارمیا، حبقوق، دانیال، حزقیال، حجی، زکریا، عویدیا، ملاحی، یوئیل است (ر.ک؛ بطرس، ۱۹۹۵: ۹۵۲-۹۵۱).

#### ۵. شباهت و تفاوت‌های حکمت در دو کتاب

الف) در معطی حکمت؛ هر دو کتاب معطی حکمت را خداوند معرفی کرده‌اند ولی نکته حائز اهمیت دلیل و نحوه دریافت حکمت و خطاناپذیری آن است. ایوب قرآن، حکمت را به دلیل وعده خداوند به انفاق کنندگان، پاداش انفاق و فعلیت شایستگی ذاتی نبوت، برای هدایت انسان‌ها به صورت ایتای الهی دریافت کرده است. در قرآن ایتای الهی عطف بر «وحی» بیان شده است «إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَ النَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطَ وَ عِيسَىٰ وَ أَيُّوبَ وَ يُونُسَ وَ هَارُونَ وَ سُلَيْمَانَ وَ دَاوُدَ وَ زَكَرِيَّا وَ يَحْيَىٰ وَ إِنَّا وَحْيُنَا لَكُنْزٌ وَ نَزَّلْنَاهُ نَزْلًا عَرَبِيًّا مُبِينًا» (نساء: ۱۶۳) ایتای حکمت همانند وحی الهی مصونیت دارد. اما در کتاب ایوب کسب حکمت نه به عنوان پاداش انفاق و نه به دلیل فعلیت شایستگی ذاتی مقام نبوت است. بلکه از طریق علل معده حکمت یعنی چالش‌های ذهنی ایوب و پاکی نفس اوست که شهود حکمت، صورت می‌پذیرد. ولی متاسفانه کتاب ایوب در مورد محتوای معرفتی شهود هیچ توضیح گزارش نکرده است.

دریافت شهودی چون ادراک باطنی شخصی است با توجه به لحاظ کیفیت و خطاناپذیری اطلاعات، نیاز به صحت سنجی شهود با شهود معصومانه و یقینی دارد. هم-چنین حکمت شهودی ایوب به لحاظ جامعیت اطلاعات، محدود به سؤالات فکری و اشکالات ذهنی ایوب در مورد عدم عدالت خداوند و حکمت او در اداره دنیا بود (باب

مضاف بر این حکمت شهودی، در تفسیر و انتقال مطالب آن نیاز به کارگیری مفاهیم دقیق، اصطلاحات مناسب و فهم مسائل فلسفی دارد. همانطور که برخی فیلسوفان نیاز عرفان به فلسفه را همین موضوع اخیر ذکر کرده‌اند (ر.ک؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۳: ۱۲۶/۱).

ب. در قسمت مُسْتَعطی موارد ذیل مطرح است:

الف) در هر دو کتاب؛ حکمت حادث و اختصاص به صنف خاصی از انسان‌ها دارد. اما فقط قرآن مجید است که به دلیل «بیان» و موعظه متقین (آل عمران: ۱۳۸) تبیین‌کننده موضوعات خود، ویژگی‌های انسان‌های حکیم یعنی بنده خاص بودن (نجم: ۱۰) و محسن بودن - انفاق، کظم غیظ و عفو - را بیان داشته است.

ب) ایوب قرآن دارای بصیرت عمیق است و از حسادت و عاملیت شیطان در مشکلات خود غافل نبود، و نگاهش به زندگی امیدوارانه بود. لذا در مقابل مشکلات صابر بود و مفتخر به تایید الهی و ستایش الهی گردید. اما ایوب کتاب‌عهدین این گونه نیست. هم‌چنین به موضوع عاملیت شیطان در مشکلات توجه ندارد و نگاهش به زندگی ناامیدانه است و به حکم عقل عامل عذاب را منحصر در گناه می‌پنداشت. لذا در مقابل مصائب لباس خود پاره کرده و صابر نبود، مضاف بر این به خداوند اعتراض داشت. از این رو خداوند از عمل ایوب راضی نبود و شیطان در حسد ورزی به او تا حدودی موفق شده بود.

ج) گرچه قرآن داستان ایوب را نسبت به کتاب ایوب، مختصر در چند آیه گفته است. اما با توجه به «بیان و موعظه بودن» تمایز بین دریافت‌کنندگان مستقیم حکمت و بهره‌گیران را بیان داشته، علاوه بر این اختصاص بهره‌گیری از حکمت را برای اولوالباب اعلام داشته است. لذا خداوند در برخی آیات آنها را مورد خطاب خود قرار داده و مواردی را از آنها خواسته است. و با این عمل بر نقش و اهمیت عقل در قرآن اشاره دارد.

با توجه به مطالب فوق حکمت ایوب در قرآن نشانه از حکمت بالغه الهی در علم

و عمل خداوند از ازل دارد.

د) در قسمت محتوای حکمت

حکمت ایوب قرآن از طرفی هم خیر کثیر است. زیرا شامل حکمت نظری و عملی و زمینه لازم برای عمل کردن است و از طرفی حکمت او خیر مطلق است زیرا ایوب مطابق به محتوای حکمت عمل کرده است و به تبع این موضوع حجیت حکمت ایوب برای دیگران، مدلل به دلیلی عقلی و نقلی است و خطاناپذیری حکمت عملی او با ستایش خداوند از سبک زندگی او در قرآن بیان شده است؛ اما میان حکمت نظری و عملی ایوب در کتاب ایوب قبل و بعد از شهود هماهنگی نیست و بعد شهود هماهنگی حاصل می‌شود. لذا حکمت ایوب بعد از شهود، خیر محسوب می‌شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

ویژگی حکمت ایوب در «قرآن» و «کتاب ایوب» از جنبه معطی، مُستَعطی و محتوی شامل نتایج زیر است:

الف. از مشترکات دو کتاب؛ منشأ حکمت، حدوث حکمت، ایمان ایوب، اعمال نیکوی وی، محسود شیطان واقع شدن و تاثیر گذاری شیطان در بیماری مشکلات او بود.

ب. در قرآن ایوب از مقربان الهی، محسنین، صاحب بصیرت ژرف، همچنین نبی الهی و به مقام امامت رسیده است.

در «کتاب ایوب» ایوب شخصی خداشناس و خدا ترس اما دارای بصیرت عمیق و نبی الهی نیست. در مقابل مشکلات تقریباً ناشکیبا، متعرض به حکمت و عدالت الهی است.

ج. در قرآن منطوق اعطای حکمت ایوب، انفاق، کظم غیظ، عفو دیگران و نبوت ایوب بود. نه پاسخ به پرسش‌گری سؤالات ایوب و دوستانش است.

د. نحوه دریافت حکمت ایوب قرآن «آیتا» و موهبتی است و در کتاب ایوب «شهود» و اکتسابی است.

ه. ویژگی منحصر حکمت ایوب قرآن به لحاظ دریافت کننده حکمت، بصیرت ژرف، مؤثر نشان، یاور خردمندان و صابریت بود.

و. در قرآن ویژگی‌های حکمت به لحاظ محتوای حکمت عبارتند از: هماهنگی کامل حکمت نظری و عملی، خیر کثیر، حجت الهی، خطاناپذیر است.



تحلیل تطبیقی حکمت ایوب در قرآن کریم و کتاب ایوب عهد عتیق؛ کاوه | ۲۲۷

در کتاب ایوب محتوای حکمت، خیرکثیر نیست. هم چنین در مورد شاخصه‌های حجت الهی، هماهنگی دو حکمت و خطاناپذیری قبل از شهود حکمت و بعد از شهود حکمت متفاوت است.

ز. در حکمت ایوب قرآن عقل و وحی حجت الهی است. در کتاب ایوب گفت و گوی وی و دوستانش تنها بر حجیت عقل بوده است.

ح. نسبت حکمت و نبوت، در کتاب‌های حکمی عهد عتیق به خصوص «کتاب ایوب»، تباین و در قرآن عام و خاص مطلق است، چون همه حکما - لقمان - نبی نبودند.

ط. گزارش قرآن از ویژگی حکمت ایوب، حافظ و شاهد مناسب برای شناخت واقعی حکمت ایوب و رافع برخی گزارشات ناقص و متناقض کتاب ایوب است.

#### ORCID

Mohammad Kaveh



<http://orcid.org/0000-0001-9419-6347>

## منابع

- قرآن مجید. ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- کتاب مقدس. (۱۹۹۵م). (ترجمه تفسیری). انجمن بین المللی کتاب مقدس.
- ابن فارس، احمد. (۱۲۹۹ه). معجم مقاییس اللغة. محقق عبدالسلام محمد هارون. بیروت: دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴). لسان العرب. ج ۱. الطبعة الثالثة. بیروت: دار بیروت.
- ایزیدور اپستاین. (۱۳۸۵). یهودیت؛ بررسی تاریخی. ترجمه بهزاد سالکی. تهران: چاپ اول. مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- بطرس، عبدالملک و همکاران. (۱۹۹۵م). قاموس الكتاب المقدس. قاهره: چاپ دهم. دارالثقافه.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد محمد. (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم. قم: چاپ اول. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- \_\_\_\_\_ . (۱۴۱۰ق). غررالحکم و دررالکلم. محقق سید مهدی رجائی. قم: چاپ ۲. دارالکتاب اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷ش) ب. تسنیم. ج ۱۴. محقق عبدالکریم عابدینی. چاپ اول. قم: اسراء.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۸ش). ادب و فنای مقربان. محقق محمد صفایی. ج ۶. چاپ اول. قم: اسراء.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۹ش). سیره پیامبران در قرآن. ج ۶. محقق علی اسلامی. چاپ دوم. قم: اسراء.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۷ش). ادب و فنای مقربان. محقق محمد صفایی. ج ۵. چاپ اول. قم: اسراء.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵ش). الف. تسنیم. ج ۶. محقق حسن واعظی محمدی. چاپ دوم. قم: اسراء.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۵ش). ب. تسنیم. ج ۹. محقق حین واعظی محمدی. قم: چاپ اول. اسراء.

حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۳۸۴ش). نورالثقلین. ج ۱. چاپ ۲. قم: مکتب نغین.

حبیب، سعید. (بی تا). المدخل الی الكتاب المقدس. قاهره: بی جا. نشر الكنيسه الاسقفیه بالاشتراک

تحلیل تطبیقی حکمت ایوب در قرآن کریم و کتاب ایوب عهد عتیق؛ کاوه | ۲۲۹

مع مجمع الكناس فی الشرق الادنی .

خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۳۷۵ش). بیان در علوم و مسایل کلی قرآن. ج ۱. ترجمه محمدصادق.

نجفی و هاشم زاده هریسی. چاپ پنجم. خوی. دانشگاه آزاد خوی.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه. زیر نظر دکتر محمد معین و سید جعفر شهیدی. چاپ دوم.

تهران: انتشارات روزنه.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ه). محقق صفوان عدنان داودی. چاپ اول. لبنان: دار-

الشامیه.

صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۰۶ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنه. چاپ ۲. قم: فرهنگ

اسلامی.

صدوق، خصال. (۱۳۶۲ش). محقق و مصحح: علی اکبر غفاری. ج ۲. ص ۴۲۰. چاپ ۲. قم: دفتر

انتشارات اسلامی.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰ه). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ دوم. لبنان- بیروت: مؤسسه

الاعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲ه). جوامع الجامع. مصحح ابوالقاسم گرجی. چاپ دوم. قم: حوزه

علمیه قم. مرکز مدیریت.

علی اقای کن، حامد. (۱۳۸۸ش). کتاب حکمت: شامل کتاب ایوب. جامعه. غزل‌های سلیمان و

گزیده مزامیر. چاپ دوم. تهران. نشر نگاه معاصر.

فیومی، احمد بن محمد. (۱۹۷۷م). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی. چاپ دوم.

قاهره: دار المعارف.

قدیانی، عباس. (۱۳۹۲). فرهنگ جامع ادیان. چاپ دوم. تهران: انتشارات آرون.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۷ش). الکافی. ج ۱. به اهتمام محمد حین الدرایتی. چاپ اول. قم:

دار الحدیث للطباعه و النشر.

مجلسی، محمدباقر. (۱۳۹۲ش). بحار الأنوار. چاپ پنجم. تهران: نشر اسلامی.

محمدیان، بهرام. (۱۳۸۱). دایره‌المعارف کتاب مقدس. مترجمین آلیس علیایی. مریم قبادی.

کیانوس اخوین و بهرام محمدیان. تهران: چاپ اول. انتشارات سرخدار.

مستر هاگس. (۱۳۷۷). قاموس کتاب مقدس. چاپ اول. تهران: انتشارات اساطیر

۲۳۰ | فصلنامه علمی پژوهشنامه معارف قرآنی | سال چهاردهم | شماره ۵۲ | بهار ۱۴۰۲

مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۷۳ش). *آموزش فلسفه*. چاپ ششم. تهران: سازمان تبلیغات.  
معرفت، محمد هادی. (۱۳۷۸ش). *علوم قرآنی*. چاپ اول. قم: مؤسسه انتشاراتی التمهید.  
منشه. امیر. (۱۹۷۷). *واژه های فرهنگ یهود*. چاپ اورشلیم: انجمن جوامع یهودی- تل او یو-  
ایسرائل.

امیر یزدانی، حمیده. هوشنگی. حمیده. (۱۳۹۷). ویژگی ها و کارکرد «حکمت» در کتاب مقدس  
عبری (تورات) و قرآن. *فصلنامه مطالعات تطبیقی قرآن کریم و متون مقدس*. بهار و  
تابستان. سال اول. شماره ۱.

امینی، مریم. (۱۳۹۳). بازخوانی سنت فکری - کلامی در کتاب ایوب. اثر مریم امینی. معرفت  
ادیان. شماره ۱۸.

حیدری، حسین و پاشایی، حسن. (۱۳۸۹). دگرگونی مفهوم حکمت در عهد قدیم و عهد جدید.  
*ادیان و عرفان*. پاییز و زمستان. سال ۴۳. شماره ۲.

سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم. (۱۳۸۴). حکمت و حکیم در عهد قدیم. *قبسات*. دی. سال دهم.  
شماره ۳۵.

شاکر، محمد. (۱۳۹۹). تحلیلی تطبیقی از رنج ایوب بر اساس قرآن کریم و کتاب مقدس.  
*پژوهش نامه معارف*. سال دهم. تابستان. شماره ۴۱.

غفاری، محمد و رمزی. ملیکا. (۱۴۰۰). تطبیق ساختار روایت در کتاب ایوب عهد عتیق و «حدیث  
محنت ایوب» در قصص قرآن عتیق نیشابوری با استفاده از نظریه گره ماس. *ادب فارسی*.  
دوره ۱۱. شماره ۲.

## References

- The Holy Quran. Translated by Mohammad Mehdi Fouladvand.  
Holy book. (1995). (interpretive translation). International Bible Society.  
Amini, Maryam. (2013). *Re-reading the intellectual-theological tradition in the book of Job*. By Maryam Amini. Knowledge of religions. Number 18. [in Persian]  
Ali Aghaeikan, Hamed. (2018). *The book of wisdom: including the book of Job*. Society. Ghazals of Suleiman and selection of psalms. second edition. Tehran. Contemporary view publication. [in Persian]  
Amir Yazdani, Hamideh. Houshangi Hamideh. (2017). The characteristics and function of "wisdom" in the Hebrew Bible (Torah) and the Qur'an. *Quarterly Journal of Comparative Studies of the Holy Quran and Holy Texts*. spring and summer. first year. number 1. [in Persian]

- Boutros, Abdul Malik et al. (1995). *Al-Kitab al-Maqdis dictionary*. Cairo: 10th edition. Dar al-Thaqafeh. [in Arabic]
- Dehkhoda, Ali Akbar. (1998). *Dictionary*. Under the supervision of Dr. Mohammad Moein and Seyed Jafar Shahidi. second edition. Tehran: Rozaneh Publications. [in Persian]
- Fayoumi, Ahmad bin Muhammad. (1977). *Al-Masbah Al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabeer by Al-Rafai*. second edition. Cairo: Dar al-Maarif. [in Arabic]
- Ghaffari, Mohammad and Ramzi. Melika (2021). Adapting the narrative structure in the book of Ayub of the Old Testament and the "Hadith of Ayyub" in the stories of the Old Qur'an of Nishaburi using the Moss knot theory. *Persian literature. Period 11. Number 2*. [in Persian]
- Hoveizi, Abd Ali bin Juma. (2014). *Noor al-Saqlain*. V1. Edition 2. Qom: Negin School. [in Persian]
- Habib, Saeed. (N.D.). *Introduction to Al-Kitab al-Maqdis*. Cairo: Bi Cha. Publication of Al-Kinaseh Al-Esqafiya in collaboration with Al-Kanas Assembly in Asharq Al-Adni. [in Arabic]
- Heydari, Hossein and Pashaei, Hassan. (2010). The transformation of the concept of wisdom in the Old Testament and the New Testament. *Religions and mysticism. autumn and winter. Year 43. Number 2*. [in Persian]
- Ibn Faris, Ahmad. (1920). *Dictionary of comparisons*. Mohaghegh Abdul Salam Mohammad Haroun. Beirut: Dar al-Fekr. [in Arabic]
- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram. (1993). *Arabic language*. V1. The third edition. Beirut: Dar Beirut. [in Arabic]
- Isidore Epstein. (2006). *Judaism; Historical Review*. Translated by Behzad Saleki. Tehran: First edition. Research Institute of Hikmat and Philosophy of Iran. [in Persian]
- Javadi Amoli, Abdullah. (2017) *b. Tasnim*. V14. Researcher Abdul Karim Abedini. First Edition. Qom: Israa. [in Persian]
- \_\_\_\_\_. (2018). *Courtesy and death of relatives*. Mohaghegh Mohammad Safaei. V6. First Edition. Qom: Israa. [in Persian]
- \_\_\_\_\_. (2000). *The biography of the prophets in the Qur'an*. C6. Mohaghegh Ali Islami. second edition. Qom: Israa. [in Persian]
- \_\_\_\_\_. (2008). *Courtesy and death of relatives*. Mohaghegh Mohammad Safaei. V5. First Edition. Qom: Israa. [in Persian]
- \_\_\_\_\_. (2015) *A. Tasnim* V6. Mohaghegh Hassan Vaezi Mohammadi. second edition. Qom: Israa. [in Persian]
- \_\_\_\_\_. (2016). *b. Tasnim* V9. Mohaghegh Vaati Mohammadi. Qom: First edition. Israa. [in Persian]
- Khoi, Seyyed Abulqasem. (1996). *Expression in the sciences and general issues of the Qur'an*. C1. Translated by Mohammad Sadiq. Najafi and

- Hashemzadeh Herisi. Fifth Edition. Khoi Azad University. [in Persian]
- Kulayni, Muhammad bin Yaqub. (2008). *Al-Kafi*. C1. To the attention of Mohammad Hain al-Daraiti. First Edition. Qom: Dar al-Hadith for printing and publishing. [in Persian]
- Majlesi, Mohammad Baqer. (2012). *Bihar Anwar*. Fifth Edition. Tehran: Islamiya Publishing House. [in Persian]
- Mohammadian, Bahram. (2002). *Encyclopedia of the Bible*. Translators of Alice Aliaei. Maryam Ghobadi, Kiyanous Akhavin and Bahram Mohammadian. Tehran: First edition. Sorkhdar Publications. [in Persian]
- Mester Hawks. (1998). *Bible dictionary*. First Edition. Tehran: Asatir Publishing House
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi. (1994). *Teaching philosophy*. Sixth edition. Tehran: Advertising Organization. [in Persian]
- Marefat, Mohammad Hadi. (1999). *Quranic sciences*. First Edition. Qom: altamahid Publishing House. [in Persian]
- Mensheh Amir. (1977). *Jewish culture words*. Jerusalem Press: Association of Jewish Communities - Tel Aviv - Israel. [in Arabic]
- Qadiani, Abbas. (2012). *Comprehensive culture of religions*. second edition. Tehran: Aron Publications. [in Persian]
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad. (1991). *Researcher: Safwan Adnan Davoudi*. First Edition. Lebanon: Dar al-Shamiya. [in Arabic]
- Sadeghi Tehrani, Mohammad. (1985). *Al-Furqan in the interpretation of the Qur'an with the Qur'an and the Sunnah*. Print 2. Qom: Islamic Culture. [in Persian]
- Saduq, (1983). *Khasal*. Researcher and proofreader: Ali Akbar Ghafari. Volume 2. Page 420. Edition 2. Qom: Islamic Publications Office. [in Persian]
- Soleimani Ardestani, Abdul Rahim. (2005). *Wisdom and wisdom in the Old Testament*. clamps January. 10th year Number 35. [in Persian]
- Shaker, Mohammad. (2019). *A comparative analysis of Job's suffering based on the Qur'an and the Holy Bible*. Research paper on education. 10th year Summer. Number 41.
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein. (2011). *Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an*. second edition. Lebanon-Beirut: Al-Elmi Institute for Matbouat. [in Arabic]
- Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1991). *Al Jama'i communities*. Corrected by Abul Qasim Georgi. second edition. Qom: Qom Seminary. Management center. [in Persian]
- Tamimi Amadi, Abdul Wahid Mohammad. (1987). *Gharral al-Hakm and Darr al-Kalam*. Qom: First edition. Publications of the Islamic

تحليل تطبيقي حڪمت ايوب در قرآن كريم و كتاب ايوب عهد عتيق؛ كاوه | ۲۳۳

Propaganda Office. [in Persian]

\_\_\_\_\_. (1989). *Gharr al-Hakam and Darr al-Kalam*.

Researcher Seyyed Mehdi Rajaei. Qom: Edition 2. Dar al-Kitab al-Islami. [in Persian]

**استناد به این مقاله:** كاوه، محمد. (۱۴۰۲). تحليل تطبيقي حڪمت ايوب در قرآن كريم و كتاب ايوب عهد عتيق، فصلنامه علمي پژوهش نامه معارف قرآني، ۱۴(۵۲)، ۲۰۳-۲۳۳.

DOI: 10.22054/rjqk.2023.69053.2657



Quranic Knowledge Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

